

فانوس

بسیارگام

۲۳

در جستجوی هیأت تر از انقلاب اسلامی / شماره بیست و سوم / پاییز ۱۳۹۴

همه را با هم
باشیم

همه با هم
باشیم

درنگی در فرآیند
شبکه سازی هیأت ها

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علی نوری





فانوس

فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۴

همه باهم باشیم، درنگی در فرآیند شبکه سازی هیأت‌ها
چهارمین همایش ۶۰۰ هیأت محوری و برگزیده کشور
قم - جمکران - مجتمع یاوران مهدی (عج)، اسفندماه سال ۱۳۹۳
گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علی نوری
(زیدعزه)
ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر

صفحه آرا: حسن ناصری

طراح جلد: سید مجتبی نبی زاده

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

کد پستی: ۳۷۱۵۱ - ۳۷۱۶۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و مولانا ابي القاسم المصطفى محمد (اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين الى قيام يوم الدين.

مقدمه

بحث پیش‌رو با عنوان جبهه‌سازی که در یک مقدمه و پنج نکته و مطلب تنظیم شده خدمت شما بزرگواران ارائه خواهد شد.

آنچه انتظار است از بحث نتیجه‌گیری شود این است که در بخش شناختی مسئله یک دانش‌افزایی و وحدت‌رویه فکری بین مسئولین و مدیران هیأت‌ها در سطح کشور فراهم بشود. و آنچه از جهت مهارتی مدنظر است این است که ما بتوانیم راهکارهایی را جهت توانمندسازی مجموعه هیأت‌ها در کشور یا ایجاد شبکه ارتباطی و همچنین فعالیت جبهه‌ای در سطح ملی ان شاء الله صورت بدهیم. جمع و جلسه ان شاء الله بهره‌مند از فیوضات خاصه بی‌بی دوعالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باشند. شادی قلب نازنینشان صلواتی عنایت بفرمایید (اللهم صل على محمد و آل محمد).

بعد از آنکه ما
سازمان‌دهی و
انسجام درونی
هیأت‌ها را صورت
می‌دهیم باید بتوانیم
ارتباط شبکه‌ای
بین هیأت‌ها را
فراهم بکنیم. چراکه
زمینه و لازمه هر
اقدام و عملیات
هماهنگ جبهه‌ای
برخورداری شما از
یک شبکه خوب و
قوی ارتباطی است.

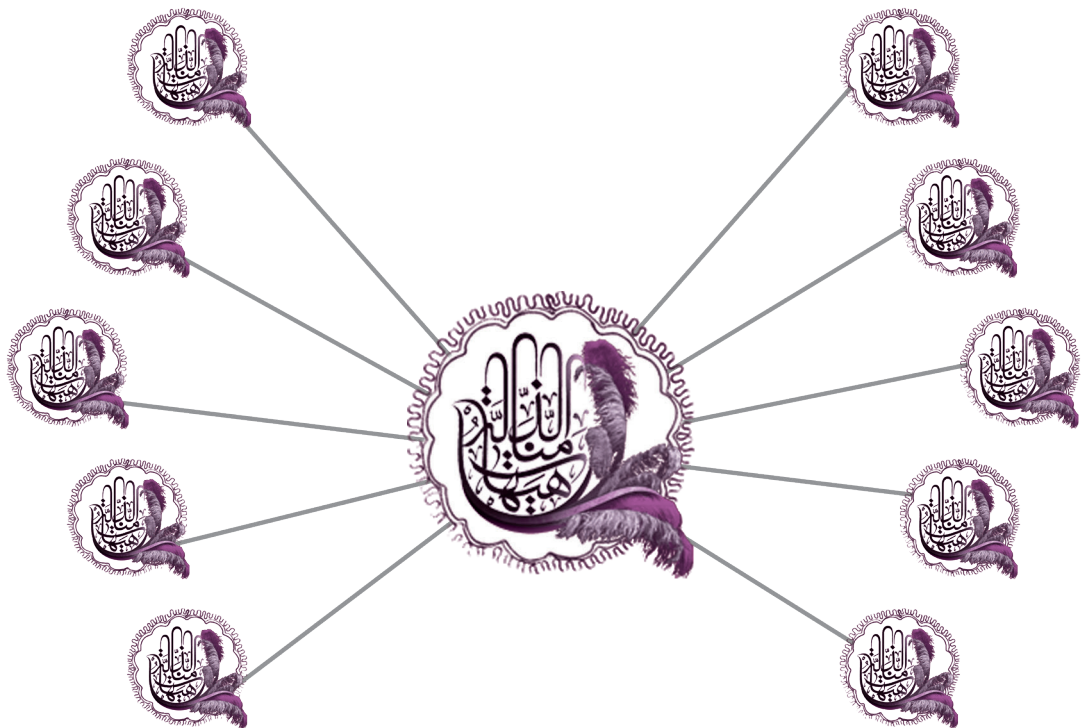
آشنایی و همکاری لازمه جبهه‌سازی

جامعه ایمانی مشعر به عنوان یک محفلی که توانسته هیأت‌ها کشوری را گرد هم بیاورد، در یک حرکت خودجوش کاملاً مردمی که با انگیزه و اختیار و داوطلبانه گرد همدیگر در سراسر کشور جمع شدند، یک سازمان‌دهی خوب ملی را رقم زده و این سازمان‌دهی به یک نتایجی هم رسیده است. اینکه این حرکت فرهنگی به طور کل در سراسر کشور به یک قد و قامت و قواره‌ای می‌رسد که مورد خطاب رهبری هم قرار می‌گیرد و مورد تأیید می‌شود؛ حرکت فرهنگی‌ای که در ذیل کارگروه‌های خاص و موضوعات متنوعی که در جریان خاتم دارد صورت می‌گیرد، در مراحل حرکت خودش به نظر می‌رسد که بعد از آنکه ما یک سازمان‌دهی و انسجام درونی هیأت‌ها را صورت می‌دهیم باید بتوانیم ارتباط شبکه‌ای بین هیأت‌ها را فراهم بکنیم. چراکه زمینه و لازمه هر اقدام و عملیات هماهنگ جبهه‌ای برخورداری شما از یک شبکه خوب و قوی ارتباطی است. باید این انسجام و اتصالات و سازمان‌دهی درونی که الحمدلله تا حدودی موفق بوده به مراحل تکمیلی خودش برسد. چون در یک مسیر تکاملی ما در حال حرکت هستیم. به تعبیری از این بخش «تعارفوا» به آن بخش «لتعاونوا» دست پیدا بکنیم. ما فرصت بسیار زیادی را

برای شناسایی ظرفیت‌های یکدیگر گذاشتیم. یعنی مجموعه هیأت‌ها یکدیگر را بشناسند و ظرفیت‌های پیرامونی خودشان را پی ببرند.

اما به نظر گام دوم بعد از این تعارف و آشنایی این است که به یک تعاون و یک همکاری خوب دست پیدا بکنیم. در ذیل این تعاون و همکاری است که ما می‌توانیم همکاری‌مان را و عملیات‌های هماهنگ ملی‌مان را صورت بدهیم. لازمه کار هم این است. یعنی شما در دنیای امروز اگر بخواهید امر فرهنگ را مهندسی کنید، مدیریت و حرکت بدهید و نسلی را بسازید لازمه‌اش این است که در یک قواره فعالیت‌های تشکیلاتی، حساب‌شده، سازمان‌دهی‌شده و برخوردار از یک شبکه ارتباطی منظم که بتواند به‌طور دقیق برنامه‌ریزی بکند و به‌موقع عملیات کند قرار گیرد.







ضرورت فعالیت شبکه‌ای در عصر حاضر

یک متنی هست هر وقت در این طور جلسات می‌شود بعضاً به جهت دلگرمی و قوتی که بعضی وقت‌ها به خودمان می‌دهد برای دوستان می‌خوانم. من خودم حس ویژه می‌گیرم.

بزرگواری دارد یک گزارشی از جریان تشکل و فعالیت‌های سازمان‌دهی شده و اقدام و عملیات هماهنگ جبهه‌ای که شما در فضای مسیحیت می‌توانید نگاه کنید را می‌دهد. «این تشکیلات بسیار مقتدر کلیسا در اداره امور مذهبی مردم به قدری دقیق است که اگر در دهی از دهات تنها یک خانواده مسیحی حضور داشته باشد روز یکشنبه کشیش مخصوصی به آنجا می‌رود تا مراسم اقامه نماز را انجام دهد. در لبنان دهی وجود دارد به نام «جبا» که به قول خود لبنانی‌ها جباء هم گفته می‌شود. ده مهمی است. همه ساکنان آن شیعه هستند و منطقه پیرامون آن هم شیعه‌نشین. در این ده، تنها یک خانواده مسیحی وجود دارد؛ نه این که بخواهم مبالغه کنم. تنها یک خانواده شامل پدر و مادر و دو سه تا بچه مسیحی هستند. این ده کلیسایی دارد. آقای کشیش روزهای یکشنبه می‌آید در کلیسا اقامه نماز می‌کند و بازمی‌گردد. ده دیگری هست

به نام روم که نصف جمعیت آن مسیحی است و نصف دیگر آن شیعه. البته آن نیمه‌ای که مسیحی است جمعیت چندانی ندارد. یعنی سکنه آن چندانفردی بیشتر نیستند. شاید مجموعاً به هشتاد نفر هم نرسند. این ده یک مدرسه دارد. روزهای یکشنبه کشیشی برای تعلیم امور دینی محصلین به ده روم می‌آید. این، تا آخر که می‌گوید. بعد می‌گوید خب، در مقابل این‌ها ما هستیم که در وسط افتاده‌ایم. دهاتی داریم که در آن مسیحیان تبلیغ می‌کنند و دهاتی داریم که سنی‌ها در آن تبلیغ می‌کنند و دهاتی داریم که بهایی‌ها در آن تبلیغ می‌کنند» و به همین‌طور الی آخر.

یک گزارش‌ی است خیلی مختصر. زمانش نزدیک پنجاه سال قبل است. دهه پنجاه است. چهل سال پیش. چهل سال پیش در دارالتبلیغ قم، امام موسی صدر از لبنان برگشته و شهید مطهری و برخی از اندیشمندان و فضلاء قم نشستند و امام موسی صدر از وضعیت عالم و جهان که بر محور تشکیلات سازمان‌دهی می‌کنند و اقدام هماهنگ و عملیات در سراسر جهان را صورت می‌دهند، گزارش می‌دهد. یعنی حسابش را کنید شما الان پنجاه سال گذشته. اگر جریان شبکه ارتباطی آن‌ها و سازمان‌دهی و عملیات جبهه‌ای‌شان بخواند به‌صورت معمول هم حرکت کرده‌باشد، الان در چه نقطه‌ای ایستاده‌اند و ضرورت کار از همین‌جا معلوم می‌شود.

در سازمان‌دهی
دینی، به خلاف
سازمان‌دهی‌های
نوبنی که الان صورت
می‌گیرد محور، روابط
انسانی است، نه
پیام‌ها. یعنی ارتباطات
بین‌الائینی، مبتنی بر
اخوت ایمانی، مبنای
شبکه‌های سنتی و
دینی مایه‌ی باشد.



تفاوت شبکه‌های نوین جهانی و شبکه‌های دینی

سازمان‌دهی‌های نوین - به اصطلاح - شبکه‌ای که شما امروز دارید مشاهده می‌کنید عمدتاً بر محور پیام، هدفشان هم گردش پیام بین اعضای شبکه‌شان هست و آنچه دارند پیگیری هم می‌کنند خب معلوم است. و جالب اینجاست که مبادی تمامی این شبکه‌ها هم برای عملیات جبهه‌ای‌شان در دست اغیار است. یعنی آنچه در فضای مجازی شما الآن مشاهده می‌کنید از شبکه‌های اجتماعی عمدتاً مبادی‌اش هم در جریان غرب و آن طرف قرار گرفته و ما کلاً مهمان آن‌ها هستیم. این سازمان‌دهی شبکه‌ای نوین که تحت این شبکه‌های اجتماعی دارد صورت می‌گیرد بعضی وقت‌ها ما را به غفلت می‌اندازد که ما از سازمان‌دهی‌های دینی خودمان غافل می‌شویم. چون در سازمان‌دهی دینی به خلاف سازمان‌دهی‌های نوینی که الآن دارد صورت می‌گیرد محور، روابط انسانی است، نه پیام‌ها. یعنی ارتباطات بین‌الائینی مبتنی بر اخوت ایمانی، مبنای شبکه‌های سنتی و دینی ما هست. هدف، گردش و گرداندن پیام نیست. هدف، رشد فردی و اجتماعی تک‌تک افراد است. خودم و جامعه پیرامونی‌ام باید رشد بکنند و به یک تعالی‌ای دست پیدا بکنند. و جالب اینجا است که مبادی این سازمان‌دهی‌های دینی هم در

اختیار خود ما است. و ما متکفل این شبکه‌های دینی هستیم و سازمان‌دهی این‌ها هم به عهده خود ما است مثل مسجد. و از جمله آن شبکه‌ها هیأت است که یک سازمان‌دهی و شبکه ارتباط دینی است که می‌تواند اقدام هماهنگ و عملیات جبهه‌ای را برای ما طراحی و صورت بدهد.

وقتی هیأت آرمان
و اهدافش را گره
می‌زند با آرمان‌ها
و اهداف انقلاب
اسلامی و در
راستای اهداف
انقلاب می‌خواهد
حرکت بکند
لازمه این حرکت
بر خوردار سازی
هیأت از یک انسجام
تشکیلاتی است.



مراحل تکامل هیأت تراز انقلاب اسلامی

می‌خواهم این را عرض بکنم که اگر اینجا قرار می‌گیریم برای این است که این لوازم هم آوردی شبکه دینی و این سازمان‌دهی دینی را با سازمان‌دهی نوین یک مقدار مورد بررسی قرار بدهیم. بحثی را که می‌خواهم عرض بکنم ناظر به این است که ما چگونه می‌توانیم این سازمان‌دهی دینی خودمان را به یک مرحله تکامل یافته‌ای برسانیم که بگوییم در آنجا موفق بودیم و توانستیم خوب عمل بکنیم. انقلاب اسلامی که صورت می‌گیرد انقلاب هم در انسان‌ها قلب را صورت می‌دهد و هم در افکار و هم در مفاهیم صورت می‌دهد و هم در ساختارها. ساختار هیأت به تبع انقلاب اسلامی خیلی تغییر کرده‌است. آنچه از هیأت در تراز انقلاب اسلامی خواسته می‌شود متفاوت است با آن هیأتی که شاید قبل از انقلاب در موردش فکر می‌شده. وقتی هیأت آرمان‌ها و اهدافش را گره می‌زند با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و در راستای اهداف انقلاب می‌خواهد حرکت بکند لازمه این حرکت برخورداری هیأت از یک انسجام تشکیلاتی است.

بحثم را در همین سه بخش می‌خواهم خدمتان ارائه بدهم. **گام اول**، ایجاد انسجام تشکیلاتی. **گام دوم**، برقراری ارتباط شبکه‌ای و **گام سوم**، اقدام هماهنگ جبهه‌ای. هر کدام از این‌ها اول تعریفش را خدمت شما عرض می‌کنم. به لغوی و اصطلاحی و بعد الزاماتش را با شما بزرگواران مرور خواهیم کرد.

مرحله اول، ایجاد
انسجام تشکیلاتی
است. به هم
پیوستگی داوطلبانه
مؤمنان حول اهداف
مشترک اسلامی
برای ایجاد رشد
فردی و اجتماعی.

مرحله اول، ایجاد انسجام تشکیلاتی

اما در مورد بخش اول که ایجاد انسجام تشکیلاتی است. حضرت آقا در دیدار با هیأت امنای هیأت رزمندگان یک نکته‌ای را گفتند که لفظ هیأت، گویا تبادر ذهنی از آن بی‌نظمی است. یعنی از هیأت بی‌نظمی متبادر است. درحالی که هیأت از یک نظم درونی و به‌هم‌پیوسته‌ای برخوردار است. اگر تأکید دارم که اگر شما بخواهید به عملیات هماهنگ جبهه‌ای دست پیدا کنید لازمه اول آن، ایجاد انسجام تشکیلاتی است. یعنی هیأت باید از یک نظم درونی خوب برخوردار بشود. انسجام هم که گفته می‌شود این کلمه انسجام یعنی این که شما در ملاحظه اولیه و ظاهر را که مشاهده می‌کنید شاید متوجه این نظم نشوید. احساس کنید که خیلی به‌هم‌ریخته و شلوغ است، اما حقیقتاً این‌ها در جای خودشان حساب شده تعریف دارند. شب وقتی شما آسمان را نگاه می‌کنید پُر می‌بینید و شلوغ از ستاره‌ها. شما که نگاه می‌کنید احساس می‌کنید که همین‌طوری برهم‌ریختند. چون شما هیچ نظمی را احساس نمی‌کنید. انگار جدول، خط‌کشی و چارچوبی نمی‌خواهد ملاحظه بشود. اما واقعاً این‌گونه است که هر ستاره‌ای و هر سیاره‌ای، هر کدام با نور مشخص شده در نسبت با دیگری مرتب و منظم و منسجم، نظم یافته و شما این را می‌توانید در آسمان مشاهده بکنید.

من که به عنوان یک مخاطب وارد هیأت می‌شوم- در یک شلوغی و مراسم و آمودورفتی که شاید یک چک‌لیست بلندی از اقدامات و فعالیت‌ها برای یک شب دارد صورت می‌گیرد- من یک تراکم جمعیت و یک شلوغی و یک آمودورفت و ازدحامی را دارم می‌بینم، اما پشت سر این ازدحام، این جمعیت، این پراکندگی و این پوشش مخاطب، یک نظم و یک انسجامی قرار گرفته که این‌ها را به هم دیگر شکل داده. هرچند من شاید شکل ظاهری آن را نتوانم بفهمم ولیکن نتیجه‌بخش بودن و اثردهی هیأت به این است که دارای یک شاکله، نظم و انسجام درونی است. در ادبیات فارسی وقتی به واژه تشکل مراجعه بفرمایید، صورت گرفتن، صورت‌پذیرفتن و شکل یافتن را مشاهده می‌کنید. تشکل به چه معنا است؟ به معنای شکل پیدا کردن، شاکله یافتن. وقتی میوه یک بخشی از آن پخته می‌شود می‌گویند شکل یافته‌است. پخته شدن بخشی از میوه را می‌گویند شکل یافتن. تشکل تشکلا، چیزی که به خودش شکل گرفته. تشکله. در ادبیات عرب می‌گویند دسته‌بندی و طبقه‌بندی. تشکیل یعنی بافت، آرایش پیدا کردن.

گام اول، ایجاد انسجام تشکیلاتی است. سازمان‌دهی تشکیلاتی که یک جمع داوطلب به‌طور خودجوش و گردهم‌دیگر طی یک سری برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مبتنی بر اهداف دارند حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر به هم پیوستگی داوطلبانه مؤمنان حول اهداف مشترک اسلامی برای ایجاد رشد فردی و اجتماعی. این از بخش اول که تشکل و انسجام تشکیلاتی است.

مرحله دوم این
است که در
ارتباط بیرونی تان،
یک شبکه ارتباطی را
با تمام هیأت‌ها دیگر
بتوانید پیدا بکنید.
چون این کار، زمینه
و لازمه برای اقدام
هماهنگی جبهه‌ای
است.

مرحله دوم، برقراری ارتباط شبکه‌ای

اگر این انسجام درونی شما شکل بگیرد. یعنی تک‌تک شماهایی که الآن اینجا هستید به‌مثابه یک هیأت که در این هیأت انسجام درونی و شکل و صورت‌پذیری تشکیلاتی رقم خورده گرد هم آیید، نوبت به مرحله دوم می‌رسد.

گام دوم این است که در ارتباط بیرونی تان، یک شبکه ارتباطی را با تمام هیأت‌ها دیگر بتوانید پیدا بکنید. چون این کار، زمینه و لازمه برای اقدام هماهنگی جبهه‌ای است. ما هم محدودیت‌های سخت‌افزاری داریم، هم محدودیت‌های نرم‌افزاری داریم، هم محدودیت‌های مالی داریم، هم محدودیت‌های نیروی انسانی داریم و هم محدودیت‌های زمانی داریم. الآن کسی اینجا نیست بگوید که من برخوردار از این‌ها نیستم. راه حل چیست؟ شما چگونه می‌خواهید محدودیت‌های سخت‌افزاری تان را مرتفع بکنید؟ همچنین محدودیت‌های مالی تان را؟ این همه نیاز دارید و این همه در شهرتان از شما طلب می‌شود و از شما انتظار است و شما نیروی انسانی تان کم است. شما مغزافزارها و نرم‌افزارهایتان محدود است. چگونه می‌خواهیم حل بکنیم؟! هیچ چاره‌ای نداریم مگر این که وارد یک شبکه‌سازی و یک ارتباط شبکه‌ای بین یکدیگر بشویم. من تعاریف

لغوی را فقط برای شما عرض بکنم. به نظر شبکه و ارتباط شبکه‌ای با همین واژگان اگر ترجمه کنم برای شما خوب روشن می‌شود. در ادبیات فارسی، فرهنگ معین شبکه را تور ماهیگیری می‌گوید. هر چیز سوراخ سوراخ، به هم متصل شده را شبکه می‌گوید. تور ماهیگیری یک شبکه است. حالا اصطلاحی هم مؤسسات و دستگاه‌هایی که به هم مرتبط هستند را می‌گویند.

اما واژگان را در عربی ببینید که چقدر دقیق می‌تواند معنای شبکه را برساند. **شَبَکَة**، پنجره، مشبک، جور شدن و درهم گیرافتادن. عرب به این‌ها شبکه می‌گوید. وقتی دو نفر باهم رابطه خویشاوندی ایجاد می‌کنند عرب به آن **شَبَکَة** می‌گوید. رابطه خویشاوندی ایجاد کردن! **شَبَکَة** زمینی که چاه‌های زیادی در کنار یکدیگر قرار گرفتند عرب به آن شبکه می‌گوید. گویا می‌خواهد از یک ارتباط پایین و زیرین همه این چاه‌ها با یکدیگر حرف بزند. و عبارت بعدی که (**شَبَکَت**، **شَبَکَت**) **أَصَابَعِي بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ** می‌باشد. عرب هنگامی این عبارت را به کار می‌برد که می‌گوید برخی انگشتانم را در یکدیگر قرار دادم. واژه خیلی معنا را مشخص می‌کند، یعنی اگر فقط به جهت لغوی بخواهم در خود واژه دقت بکنم مشخص می‌شود منظور من از شبکه شدن یعنی چه؟! یک ارتباط و اتصالی که هم در صورت و هم در سیرت بین هیأت‌ها باید برقرار بشود که این‌ها با تبادل امکانات، اطلاعات، فرصت‌ها و سرمایه‌های میان مجموعه‌ها با اهداف مشترک که ضمن همکاری و فعالیت مشترک در منافع سهیم‌اند و در حل مشکلات همراه یکدیگر می‌شوند.

نگاه جبهه‌ای یعنی:
علاوه بر این که تو
در جبهه خودی
باید دارای طرح و
عملیات و اقدام و
استراتژی باشی،
باید ناظر به جبهه
دشمن هم اتفاقاً
همین گونه باشی.

مرحله سوم، اقدام هماهنگ جبهه‌ای

پس شما باید ابتدا، برای هیأت انسجام درونی ایجاد کنید، زیرا چاره‌ای جز این ندارید و باید هیأت را از شکل کل‌نگر خارج کنید و آن را سیستمی و مدیریت‌شده پیش ببرید. در مرحله دوم، باید بین هیأت‌ها ارتباط شبکه‌ای صورت بگیرد که اتصالات و ارتباطات از صورت تا سیرت بین همه این هیأت‌ها برقرار می‌شود. و در مرحله سوم بعد از ارتباط شبکه‌ای، اقدام هماهنگ جبهه‌ای می‌باشد.

در این بخش هم خدمت شما عرض کنم که اقدام و عملیات هماهنگ جبهه‌ای واژگانش را یک توجه بفرمایید. در فرهنگ دهخدا و معین به جبهه می‌گویند پیشانی، ناصیه، «یا مَنْ بَيْدَه ناصیتی». در ادبیات فارسی به پیشانی، جلوی سر، بخش جلوی محل جنگ و این‌ها جبهه گفته می‌شود. در عرب هم همان جبین، نما، جلو و جبهه منظورشان است.

در این که می‌گویید ما جبهه‌سازی می‌کنیم، ما می‌خواهیم کار جبهه‌ای بکنیم یک خلطی شده. بعضی از افراد اراده می‌کنند و می‌گویند که ما باید کار جبهه‌ای بکنیم. این‌ها عمدتاً وقتی می‌گویند کار جبهه‌ای می‌خواهیم بکنیم مدنظرشان فرهنگِ اِیثار و شهادت است. یعنی روحیه‌ای که شما در دفاع مقدس بر

آدم‌هایتان حاکم بود را باید الآن در فضای جنگ فرهنگی تان منتقل کنید. جنگ فرهنگی شما باید مبتنی بر همان شاخصه‌های ایثار و گذشت باشد. پس اشتباه نگیرید. اگر بعضی‌ها می‌گویند آقا، تو چرا جبهه‌ای نیستی؟ می‌گویم برای چه؟ می‌گویند اصلاً اخلاص را از تو نمی‌بینم. لذا هنگامی که می‌گوید ما باید کار جبهه‌ای کنیم منظورش فرهنگ جبهه است، ناظر به هشت سال دفاع مقدس می‌خواهد صحبت بکند. معنای دوم از اینکه بعضی‌ها می‌گویند ما باید کار جبهه‌ای بکنیم. اراده‌شان از کلمه جبهه همین به هم‌پیوستگی است. یعنی شبکه را اراده می‌کنند. همین گام دومی که من به شما گفتم. یعنی ارتباط شبکه‌ای بین یکدیگر برقرار کردن. فرصت‌ها و امکاناتمان را در اختیار یکدیگر گذاشتن. پیشانی، عقبه، صدر و ذیل، شرق و غرب، اتصال به هم پیدا بکند. بعضی‌ها از این ارتباط اراده جبهه کردند. می‌خواهم بگویم اگر می‌گویند کار جبهه‌ای کنیم بعضی‌ها ناظر به فرهنگ این را دارند عرض می‌کنند، بعضی‌ها ناظر به کار شبکه‌ای.

اما معنای سوم مدنظر ماست که ما در مواجهه و مقابله باید دارای محور عملیات باشیم. این فرق می‌کند. به یک‌جهتی به رویکرد، اقدام و عملیات شبکه‌ای شما کار جبهه‌ای کردن می‌گویند. عملیات کردن و کار جبهه‌ای کردن. یعنی دارای اقدام استراتژیک شدن و طرح و نقشه برای مواجهه دشمن پیدا کردن؛ این مدنظر از کار جبهه‌ای است. پس این که گفته می‌شود ما باید دست به جبهه‌سازی به معنای آن روحیه و فرهنگ جبهه بزنیم، بله باید باشد. دو ارتباط شبکه‌ای هم اگر مدنظر تان هست باید باشد ولی اراده ما از کار جبهه‌ای این است که باید خط تشکیل بدهید. عرض کردم، جبهه یعنی پیشانی. یعنی آن خط‌مقدم، محور عملیات داشتن.

جنگ بود، گفتند آقا زاده شما کجاست؟ می‌گفتند رفته جبهه. منظورشان چی بود؟ یعنی کجا رفته؟ خط. و الا کل کشور جبهه بود. از پشت جبهه از مادران و خواهران گرفته تا پدران و فرزندان تا شما برو تا خط مقدم. کل این جبهه بود. می‌گفتند پسر شما کجا رفته؟ می‌گفت رفته جبهه. جبهه منظور خط بود. آنجایی که طراحی عملیاتی ما ناظر به اقدام و عملیات دشمن دارد صورت می‌گیرد.

باز اگر بخواهم مثالش را بگویم مثلاً مثل زمین فوتبال. شما دیده‌اید که تیم در بازی تاکتیکی انتخاب می‌کند. می‌گوید آقا چهار سه سه، سیستم دفاعی دارد، دفاع درونی دارد، دفاع بیرونی دارد، ساختار و





اگر سخن از برقراری ارتباط شبکه‌ای می‌زنیم و
اقدام هماهنگ جبهه‌ای را برای شما مدّ نظر داریم،
این یک دغدغه سیاسی نیست.
این یک انگیزه خرد فرهنگی نیست.
این یک رسالت است،
میراث است.

سازمان حمله و دفاع خودش را طراحی کردن و مدیریت کردن. و جالب اینجاست حضرت آقا در ادبیات طراحی خودشان حتی یک گام جلوتر هم می‌برند. می‌گویند علاوه بر این که - نگاه جبهه‌ای یعنی این - علاوه بر این که تو در جبهه خودی دارای طرح و عملیات و اقدام و استراتژی باید باشی، باید ناظر به جبهه دشمن هم اتفاقاً همین‌گونه باشی. نگاه جبهه‌ای به دشمن داشتن. تمام طراحی‌ها و اقدامات او را در یک بسته به هم پیوسته ببینید. لذا حضرت آقا مثال می‌زنند. هم مثال روز را می‌زنند، هم مثال قبل را. مثال روز می‌گویند شما مثلاً ترور شهید علی محمدی را می‌بینید، شما ترور شهریاری را می‌بینید، یک‌وقتی شما به این اقدام زشت نگاه می‌کنید که یک دانشمند شما به شهادت می‌رسد، تأسف می‌خورید. اما یک‌وقتی این سلسله اقدامات را در کنار هم چیده و به خط‌کشی و صف‌بندی جریان باطل و غرض علیه انقلاب اسلامی پی می‌برید. لذا اصلاً گارد تو و نوع مواجهه تو تغییر پیدا می‌کند. هوشمندی تو بالا می‌رود. هم نگاه جبهه‌ای باید به درون و خودمان داشته باشیم و هم نگاه جبهه‌ای به فضای مقابل که دشمن باشد باید داشت. و به عبارت آخر؛ مرزبندی و شناخت دقیق نیروهای خودی و غیر خودی با افزایش مراقبت در مقابل تحرکات دشمن و تدارک عمل و عکس‌العمل مناسب و هماهنگ در مقابل جبهه دشمن را اقدام هماهنگ جبهه‌ای می‌نامیم.

هیچ چاره‌ای نداریم
مگر این که وارد یک
شبکه‌سازی و یک
ارتباط شبکه‌ای بین
یکدیگر بشویم.



الزامات مرحله اول (ایجاد انسجام تشکیلاتی)

بنده در بخش الزامات گام اول یعنی ایجاد انسجام تشکیلاتی خیلی حداقلی نکاتی عرض می‌کنم. چون در یک جزوه‌ای از همین جزوات فانوس این بحث انسجام تشکیلاتی با یک عنوانی به نام اضلاع هیأت خدمت شما بزرگواران تقدیم شده بود. شش ضلع اصلی داشت که اینجا به اختصار ذکر می‌کنم.

الزام اول: نیروی انسانی بر پایه اخوت ایمانی. شما باید بتوانید افراد خود از مخاطبین تان، خادمین تان و کادرتان را در یک رابطه ایمانی و برادری مدیریت کنید، طراحی کنید و ایجاد کنید. یک ضلع هیأت اگر می‌خواهد شکل و انسجام پیدا بکند به اینجا برمی‌گردد.

الزام دوم: سازمان‌دهی بر پایه نظم تقوایی. نه برخوردهای ارتشی و چکشی و آهنین در هیأت مدنظر است و نه ولنگاری و هرج و مرج که هر اتفاقی بخواهد در هیأت بیفتد مدنظر ماست. «اوصیکم عبادالله بتقوی الله و نظم امرکم» اول تقوا، دوم نظم. این نظم باید منبعث از تقوای تو باشد. تقوا چیست؟ انجام واجبات، ترک محرمات، به تشکّل که می‌رسد تقوای تشکیلاتی یعنی اینکه بنده موظف هستم این سن را برای همایش شما طراحی و برقرارش کنم. هرگونه کوتاهی، هرگونه کم‌کاری و هرگونه تنبلی، سستی،

کسالت در ایجاد این سن، بی تقوایی تشکیلاتی من است. یک وقتی موانع هست، بحثی ندارم. اما اگر تو بخواهی کم کاری بکنی درست است؟ این را باید جا بیندازم که نیروی من در هیأت به این قدرت و فهم برسد که آنچه را که در هیأت دارد انجام می دهد عین تقوا است. وقتی پیغمبر ﷺ دیواره قبری را می چید، گفتند این که می خواهد به هم بریزد، چرا این قدر محکمش می کنید؟ گفت: مؤمن کاری که می کند دقیق و محکم انجام می دهد،

الزام سوم: اهداف بر پایه رشد اسلامی. هیأت بر پایه رشد. این کلمه رشد به شدت خوش ساخت و زیبا و قرآنی است. تمام جوانب، ساحات و روابط مخاطب را دیدن. این که نوجوان را فقط بخواهید بخش عاطفی اش را ببینید، بصیرتی اش را رها کنید، بصیرتی اش را ببینید مهارتی اش را رها کنید. بصیرتی و مهارتی را ببینید تحصیلی بچه ها را فراموش نکنید. لازمه اش این است که رشد کامل باید صورت بگیرد. در هیأت، اهداف مبتنی بر رشد اسلامی است.

الزام چهارم: برنامه ها بر پایه عقلانیت دینی. بر پایه عقلانیت، نه اینکه به اصطلاح شکل سکولار به خودمان بخواهیم بگیریم که برای جذابیت هیأت های خودمان دست به هر کاری بخواهیم بزنیم و چارچوب ها را بشکنیم چون می خواهیم مخاطب جذب کنیم و توجه بدهیم. یا این که این قدر برنامه هایمان سست، بی معنا و متحجرانه باشد که مخاطب جوان فعال امروزی من بخواهد فرار بکند.

الزام پنجم: اقدام بر پایه روحیه جهادی. یعنی عناصر پس از این که سازمان دهی اخوت ایمانی می گیرند و نظم تقوایی پیدا می کنند و رشد اسلامی بر پایه عقلانیت دینی برنامه رقم می خورد، اقداماتشان با یک روحیه جهادی بنیان گذاشته می شود.

الزام ششم: امکانات بر پایه عدالت توحیدی. یعنی ما نباید به اسراف بیفتیم. وقتی می خواهیم هیأت مان را در محور امکانات، انسجام تشکیلاتی بدهیم نباید به اسراف بیفتیم. حالا گیرم بودجه های فراوانی هم آمد، نذورات آن چنانی هم رسید، نباید به اسراف بیفتید شما، بلکه باید یک عدالت توحیدی را صورت بدهید. البته از این طرف هم تفریط نکنی که با نوع عملکردهای ما هیأت به تكدی گری بخواهد بیفتد و منزلت و شأن مجلس روضه اهل بیت ﷺ بخواهد از دست برود. درخور شأن مجلس ائمه ﷺ مجلس باید برقرار بشود. به آن بخش هم باید توجه بکنیم که افراط هم نکنیم که به اسراف بیفتیم. این شش ضلع

اگر خواستید شبکه ای را فراهم بکنید لازمه اش این است که ایجاد انگیزه برای شبکه شدن را بنا بگذارید. پایه و بنیان شبکه سازی همین جا است. اگر انگیزه آدم ها شکل گرفت برای این که دست به کار شبکه ای بزنند، بنیان کار به خوبی گذاشته شده است.

است و به اصطلاح الزام برای این که شما هیأت خود را به انسجام تشکیلاتی برسانید. توضیحاتش مفصل تر است. ارجاع می‌دهم به همان اضلاع هیأت که متنش هست.

هر چند در این بخش، بعد از اینکه انسجام تشکیلاتی را می‌خواهید برای هیأت صورت بدهید اضلاعش را که بستید، اضلاع شش‌گانه را که بستید، بحث آثار، افات، عوامل، موانع و راهبردها هم آنجا بحث و گفتگو می‌شود که از دایره بحث ما خارج است. فقط خواستم عرض کنم. در گام اول جهت رسیدن به اقدام هماهنگ جبهه‌ای، ایجاد سازمان‌دهی و انسجام تشکیلاتی اولویت شما، مدیر هیأت است.



برای
انجام بخشی
تشکیلاتی، برقراری
ارتباط تشکیلاتی
و اقدام عملیات
جبهه‌ای فقط کافی
است شما یک‌بار
این مسیر تاریخی
و دینی ما را در
این سازمان دهی
دینی کاملاً مشاهده
بفرمایید

الزامات مرحله دوم (برقراری ارتباط شبکه‌ای)

اما اگر به شبکه‌سازی و برقراری ارتباط شبکه‌ای برسیم که امروز از من خواسته‌اند بیشتر در این بخش خدمت شما باشم و توضیحاتی را در این زمینه عرضه کنم. قبل از این که بخواهم این ارتباط شبکه‌ای را که چگونه برقرار می‌شود عرض کنم، برای مثال شما در یک شهر چگونه می‌توانید بین هیأت‌ها شهری و با چه گام بندی باید شبکه کنید و این را در اتصالات استانی تان تبدیل به شبکه استانی بکنید و این‌ها متصل ملی بشوند تا برسند پای عملیات جبهه‌ای ما.

قبل از این که بخواهم این‌ها را بگویم علاقه‌ام این هست که یک‌وقتی این بحث را یک‌بار این چنین ببینیم که برای این انجام بخشی تشکیلاتی، برقراری ارتباط تشکیلاتی و اقدام عملیات جبهه‌ای فقط کافی است شما یک‌بار این سیر تاریخی و دینی ما را در این سازمان دهی دینی کاملاً مشاهده بفرمایید.

همین کتاب انسان ۲۵۰ ساله که تقریر بیانات حضرت آقا است به همین قلم و به همین تم دارد حرکت می‌کند و کتاب‌هایی از این دست که بسیار است. مثل همان سازمان و کالتی که در دو جلد تنظیم شده واقعاً عالی است. که ما چگونه شبکه‌سازی و ارتباطات درون سازمانی خودمان را صورت می‌دهیم.



گوشه‌ای از تشکیلات دینی در عصر پیامبر ﷺ

من به صورت گزارش وار فقط چند بُرهه را عرض می‌کنم که فکر می‌کنم این را گفته باشم خودش خیلی عالی باشد.

قبل از این که بحث صورت بگیرد؛ پیامبر را شما نگاه بفرمایید. پیمان حلف الفضول را که به اصطلاح جوانمردانی متحد می‌شوند برای این که حرکت و جریانی را در مکه به دست بگیرند. می‌گوید اگر شتران سرخ‌موی را به من بدهند ارزشش آن قدر پست و ناچیز است که من دست از این حلقه جوانمردان در مکه برنمی‌دارم. عقد اخوت خواندن پیامبر ﷺ بین انصار و مهاجر که بین تمام این‌ها عقد اخوت می‌خواند و برادری ایجاد می‌کند. پیغمبر ﷺ، شورای مشاوران نظامی راه می‌اندازد. یعنی تیم مشورتی برای عملیات کردن‌ها. دیوان انشاء درست می‌کند که نگارش، ارسال و بایگانی نامه‌های پیامبر ﷺ در دیوان انشاء دارد رقم می‌خورد. ستاد فرهنگی سوادآموزی راه می‌اندازد، یعنی کسانی را می‌گیرد بعضاً از دشمن که سواد دارند و موافق هستند ده نفر را سوادآموزی کنند تا آزاد بشوند. شما لیست را فقط مشاهده بفرمایید. پیغمبر ﷺ چگونه دارد سازمان‌دهی می‌کند، شبکه‌سازی می‌کند و اقدام هماهنگ جبهه‌ای را صورت می‌دهد.

نزدیک سی و پنج سال از واقعه عاشورا می گذرد و چهار هزار نفر پای درس امام باقر علیه السلام هستند. پای مکتب امام صادق علیه السلام می نشینند. چه اتفاقی افتاده؟ چه کسی این انسجام را صورت داده؟ چه کسی این شبکه سازی را و اقدام را فراهم کرده؟ هر چه نگاه کنید غیر از امام سجاد علیه السلام کسی را پیدا نمی کنید

تشکیلات دینی در عصر امام سجاد علیه السلام

یک بُرهه قشنگ ترش که برای شما ملموس تر می شود جریان امام سجاد علیه السلام است. بعد از واقعه عاشورا رعب و وحشتی آمده و همه ترسیدند. انحطاط فکری هم که صورت گرفته، انحطاط سیاسی هم که صورت گرفته. ابتذال فرهنگی هم دارد بیداد می کند. در مدینه رقاصه می آورند و برنامه رقاصی می گذارند. اغراض سیاسی وحشتناک، فکری اش هم که بماند. چه اتفاقاتی رقم خورده و معاویه در مدت چهل سالی که بوده چه بلایی بر سر دین آورده. حالا حسابش کنید امام سجاد علیه السلام آمده.

من هر وقت فکر این عبارت را می کنم که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِرتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ إِلَّا الثَّلَاثَ» همه مرتد شدند مگر سه نفر، می خواهد قلت را بفهماند. یا این عبارت مظلومانه و جانسوز امام سجاد علیه السلام که می فرماید: «ما مَکَّةَ والمدینه عشرون رجلاً یحبوننا» در تمام مکه و مدینه بیست نفر آدم است که ما را دوست دارد.

نزدیک سی و پنج سال از واقعه عاشورا می گذرد. چهار هزار نفر پای درس امام باقر علیه السلام هستند. پای مکتب امام صادق علیه السلام می نشینند. چه اتفاقی افتاده؟ چه کسی این انسجام را صورت داده؟ چه کسی این شبکه سازی

و اقدام را فراهم کرده؟ هر چه نگاه کنید غیر از امام سجاده (ع) کسی را پیدا نمی‌کنید. او امام بوده. او حجت خدا بوده. پس باید کار او باشد. امام سجاده (ع) چه کار می‌کرده؟ فقط تیتروار عرض کنم: حلقه‌های خاص معرفتی امام سجاده (ع) بعد از نماز صبح در مسجد مدینه، حلقات بسیار مکرر و مستمری که وقتی هوا روشن می‌شد و غریبه‌ای می‌آمد، امام می‌گفت بلندبلند قرآن بخوانید تا فکر کنند ما جلسه قرآن داریم. امام سجاده (ع) نیروسازی می‌کرد. فقط صدوبیست خانواده را در مدینه تحت پوشش مستقیم خودش داشت. یعنی غذا به دوش می‌گرفت و در صدوبیست خانه پخش می‌کرد. یک‌دانه‌اش را مثال بزمن برایتان از این شبکه‌سازی و نیروسازی که امام سجاده (ع) رقم می‌زند. هر سال شب عید فطر امام سجاده (ع) بیست غلام آزاد می‌کرد و قبل از حج، غلام و کنیز می‌خريد و به مکه می‌برد، وقتی می‌خواست به سمت منی حرکت کنند این‌ها را در مکه آزادشان می‌کرد. سی و پنج سال، هر سال بیست نفر را بخواهد آزاد کرده باشد، هفتصد نفر فقط غلام آزاد کرده. نه غلام معمولی! یک نفر که احکام دینی خود و سواد قرآن مطلع شده! امام سجاده (ع) در خانه خودش تربیت می‌کرد و بعد رها می‌کرد. تقریباً می‌شود گفت حدود هزار نفری را فقط امام سجاده (ع) این‌گونه طراحی و مدیریت و سازمان‌دهی کرد. لذا شما مکتب درس امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را باید مدیون فعالیت‌های شبکه‌ای، نیروسازی و انسجام‌بخشی‌ای باشید که امام سجاده (ع) رقم زدند.

اگر سخن از
برقراری ارتباط
شبکه‌ای می‌زنیم
و اقدام هماهنگ
جبهه‌ای را برای
شما مدنظر داریم،
این یک دغدغه
سیاسی نیست.
این یک انگیزه
خرد فرهنگی
نیست. این یک
رسالت است.
میراث است.

اقدام هماهنگ تشکیلاتی، میراث گرانبهای معصومین

یا مثلاً امام موسی کاظم را توجه کنید! البته تک تک معصومین چنین شبکه‌سازی دارند! اما برخی خیلی درخشیده‌اند. امام موسی کاظم از آن چنان شبکه وفاداری برخوردار هست. از نزدیکان امام به هارون رسید، گفت بنده خدا خبر داری؟ تو فکر می‌کنی طرفدار داری و از این‌ها داری مالیات می‌گیری؟ از تمام عالم برای موسی بن جعفر دارد وجوهات می‌آید. ما مدیون موسی بن جعفر هستیم به خاطر این حرکت‌ها و این طراحی‌ها و این اقدام‌ها.

حالا شما ببینید جلوتر امام جواد، امام هادی و بخصوص امام حسن عسکری در سازمان و کالت را ببینید.

یک گزارش بود. گزارشی دادم خدمت شما این که اگر حرف از سازمان‌دهی و انسجام‌بخشی هیأت‌ها می‌زنیم، اگر سخن از برقراری ارتباط شبکه‌ای می‌زنیم و اقدام هماهنگ جبهه‌ای را برای شما مدنظر داریم، این یک دغدغه سیاسی نیست. این یک انگیزه خرد فرهنگی نیست. این یک رسالت است. میراث است. من به دوستان هیأت همیشه می‌گویم فکر نکن من الآن هیأتی را در شهرم تشکیل دادم و شدم مدیر هیأت و

قرار است اداره بکنم. برادر من، میراث هزار و چهارصدساله است. با هیأت شوخی نکن، هیأت را محکم بگیر. میراث اینجا است. عقبه‌اش برمی‌گردد به اینجا که امام باقر علیه السلام به امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از رحلت من به مدت ده سال در موسم حج برای من روضه و عزاداری برگزار کنید. کجا؟ حج. وقتی همه جمع هستند. در کجا؟ در منی. در چه مکانی؟ وقتی که سه روز می‌خواهند آنجا وقوف بکنند. همه سه روز آنجا هستند. چه کار بکنیم؟ قالب تبلیغی چیست؟ عزا. اقامه عزا چرا؟ چون تمام احساسات و عواطف را درگیر خودت خواهی کرد. من امروز هیأت را به عهده گرفتم، مهتبا می‌شوم برای فاطمیه‌ای که وقتی تب امام باقر علیه السلام را فرا می‌گرفت یک یا زهرای بلند می‌گفتند - آن چنان مادرشان را بلند صدا می‌کردند که می‌گویند وقتی مردم از کوچه رد می‌شدند صدا را می‌شنیدند - حالت تشفی فراهم می‌شد و تب امام فروکش می‌کرد. انسجام و سازمان‌دهی، برقراری شبکه‌ای و اقدام و عملیات هماهنگ جبهه‌ای ناظر به این عقبه است و من و شما میراث دار این عقبه هستیم.

حالا برای این که بخواهید شبکه ارتباطی را ایجاد بفرمایید، آن شبکه ارتباطی آثار و فوایدش چیست؟ لوازمش و مختصاتش چیست؟ اصلا خود شبکه‌ها به چه تقسیم‌بندی‌های نوینی الان تقسیم می‌شوند؟ و در ارتباطات اجتماعی جزو کدام علوم مطالعاتی هست؟ طرح این‌ها مناسب وقت بحث و جلسه نیست.

شما فقط یک بار
سعی کنید
بانک اطلاعات
از سخت افزار،
نرم افزار، نیروی
انسانی، فکر، طرح
و برنامه خودتان را
در شهر و یا استان
ایجاد نکنید. پایه
بسیار مهمی در
شبکه سازی برای
شما رقم خواهد
خورد.

گام های لازم برای شبکه سازی

اول: گام شناختی شما که در آن ایجاد انگیزه برای شبکه شدن است. به نظر اگر خواستید شبکه ای را فراهم بکنید لازمه اش این است که ایجاد انگیزه برای شبکه شدن را بنا بگذارید. پایه و بنیان شبکه سازی همین جاست. اگر انگیزه آدم ها شکل گرفت برای این که دست به کار شبکه ای بزنند، بنیان کار به خوبی گذاشته شده است. در اینجا چه کار باید بکنیم؟ جلسات توجیهی می خواهیم، دیدارها می خواهیم، مطالعات می خواهیم، مباحثات هم می خواهیم. یعنی در این بخش اول حتما دست به این کار باید بزنید. با مدیران هیأت تان در شهر، با مدیران هیأت ها در استان حتما جلسات هم اندیشی در این زمینه باید بگذارید تا شناخت و انگیزه نسبت به شبکه سازی فراهم نشده باشد بعید است که بشود کار شبکه سازی را صورت داد. **دوم:** در بخش های برنامه ای تجزیه و تحلیل و شناسایی راهکارهای مشترک باید باشد. ما حتما باید به یک جلسات مشترکی برسیم که در آن فرصت ها، امکانات، توانمندی ها، نقاط قوت و نقاط ضعف یکدیگر را به طور خوب بشناسیم. باز دید از مراکز اینجا خیلی جواب می دهد. هیأت، مهمان هیأت ها دیگر شدن. کادر و خادمین این هیأت مهمان کادر و خادمین هیأت دیگر بشوند. حتی به جهت برنامه ای مهمان

یکدیگر شدن. یکبار تیپ الگوی اجرای برنامه میلاد را در هیأت شما من می‌خواهم ببینم. یکبار تیپ الگوی برگزاری هیأت عزا را من می‌خواهم در هیأت شما ببینم. این تعامل، این رفت‌وآمد باعث می‌شود که به یک دستور کار مشترک برسیم و به آن نقشه دست پیدا می‌کنیم. عرض کردم آن «لتعارفوا» به «لتعاونوا» می‌رسد. «تعاونوا علی البر و التقوی» تعاون، همکاری، ارتباط در کار خیر پیدا بکنید. لازمه‌اش آن نقشه است. به آن نقشه باید دست پیدا بکنیم.

سوم: انجام پروژه‌ها و برنامه‌های اولیه با محلی و یا شهری بصورت محدود و کوچک. چرا؟ چون کم‌خطا باشد، زودبازده باشد، ملموس باشد، اجرایی باشد، افراط و تفریط نکرده باشیم. خیلی وقت‌ها این اتفاق افتاد. ما در شهرهایمان خواستیم بچه‌ها را شبکه کنیم. مدیران هیأت‌ها ذوق‌زده و شیفته باهم نشستند، سریع به یک اقدام و عملیات بسیار کلان رسیدند. پای کار رفتیم درحالی‌که نه بچه‌هایمان پای رفتن را داشتند، نه دست‌های آنان قدرت بردشتن را داشت و روی سر خود ما خراب شد. من بدبین شدم به هیأت آقای فلانی و آقای فلانی گله‌مند شد نسبت به من و شیطان تفرقه را در بین ما فراهم کرد. لذا از کارهای کوچک و زودبازده و شیرین، لذت‌بخش، آرام، با یک شیب ملایم حرکت دادن مناسب‌تر است. به یک‌باره مشکل پنجاه‌ساله شهرتان را نمی‌خواهد با این هیأت حل کنید. ابتدا مختصر و مفید آغاز کنید.

چهارم: انجام پروژه‌های مشترک اساسی هست که اینجا رویکردهای استانی و ملی پذیرفته شده است. پس از این‌که شما تجربه‌هایی را پیدا کردید می‌شود وارد فضای فعالیت‌های مشترک استانی و ملی شد.

پنجم: طبیعتاً شبکه ارتباطی شما در مسیر پیش آمده از یک مدیریت و اداره‌کننده‌ای بهره می‌برده است. این مسیری که گفتم مسیر ابتدایی بود. یک، ایجاد انگیزه. دو، شناسایی و رسیدن به نقشه. سه، اقدامات کوچک. چهار، اقدامات اساسی و استانی‌تان. پنج، کاری که باید بکنید، آرام‌آرام شما از تسلط مدیریتی‌تان بر شبکه باید یک مقدار عقب بکشید و بگذارید ارتباطات و طراحی و برنامه‌ریزی برنامه‌های متعدد و متکثر بین هیأت‌ها و این ساختارها و سازمان‌ها به خوبی فراهم بشود. و شبکه از یک استقلال و یک خود مدیریتی درونی برخوردار گردد.

انجام پروژه‌ها و برنامه‌های اولیه یا محلی و یا شهری بصورت محدود و کوچک. چرا؟ چون کم خطا باشد، زودبازده باشد، ملموس باشد، اجرایی باشد، افراط و تفریط نکرده باشیم.

راهکارهای پیشنهادی برای شبکه‌سازی موفق

اول: راه‌اندازی نشریه تخصصی هیأت در فضای استانی‌تان. اطلاع‌رسانی کنید، آموزش بدهید، جریان سازی کنید با نشریه. کار نشریه‌ای به شدت در هویت بخشی و شبکه‌سازی مؤثر است.

دوم: راه‌اندازی شبکه توزیع محصولات فرهنگی. شاید کاری جزئی به ذهن بیاید، ولی تأثیر شبکه‌سازی‌اش بالا است. راه‌اندازی شبکه توزیع محصولات فرهنگی. بالاخره این هیأت‌ها استانی ما نیازهای فرهنگی و محصولاتی را دارند که ما می‌توانیم با این کار سرعت ببخشیم. ایجاد و برپایی نمایشگاه‌های سالیانه و فصلی و موسمی.

شما الآن مشاهده می‌فرمایید هیأت، مشعر، سالیانه دو-سه بار خود شما، شهری‌تان، استانی‌تان به همین طریق می‌تواند در شبکه شدن‌ها ثمربخش باشد.

سوم: برگزاری همایش‌های انگیزشی و آموزشی. اصلاً دریغ نکنید از جمع عناصر هیأتی در شهر و یا استان در ذیل کارکردهای آموزشی و تشکیلاتی خودتان. به شدت در شبکه شدن جمع ما تأثیر می‌گذارد.

چهارم: ایجاد بانک اطلاعات. یعنی شما فقط یک بار سعی کنید بانک اطلاعات از سخت افزار، نرم افزار، نیروی انسانی، فکر، طرح و برنامه خودتان را در شهر و یا استان ایجاد نکنید. پایه بسیار مهمی در شبکه سازی برای شما رقم خواهیم خورد.

پنجم: ایجاد و تقویت جمع های فرگیر با محوریت مخاطب و موضوع همانند جامعه مداحان و مجمع هیأت های استانی و

ان شاء الله که موفق باشید. خداوند توفیق بدهد در امر شبکه سازی و همچنین اقدام هماهنگ جبهه ای خالصانه و مخلصانه در رکاب امام زمان عج توفیق سربازی ناب را ان شاء الله پیدا بکنیم و شهادت ختم و عاقبت همه ما بشود به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.



چکیده راهبردی

مرحله	عنوان	تعریف و توضیح	ضمیمه و مستندات
اول	ایجاد انسجام تشکیلاتی (ارتباط درونی)	معنای لغوی تشکل: صورت گرفتن چیزی - شکل گرفتن - بافت و آرایش توضیح: به هم پیوستگی داوطلبانه مؤمنان حول اهداف مشترک اسلامی برای ایجاد رشد فردی و اجتماعی	فانوس ۹
دوم	برقراری ارتباط شبکه‌ای (روابط بیرونی)	معنای لغوی شبکه: تور ماهیگیری - پنجره مشبک - جور شدن و در هم گیرافتادن توضیح: ایجاد زمینه برای تبادل امکانات، اطلاعات، فرصت‌ها و سرمایه‌ها میان مجموعه‌ها، با اهداف مشترک که ضمن همکاری و فعالیت مشترک در منافع سهیم و در حل مشکلات همراه هستند	انسان ۲۵۰ ساله آفتاب ۳ فانوس ۵ یک تجربه مانا
سوم	افدام هماهنگ جبهه‌ی	معنای لغوی جبهه: پیشانی - جلو - نما - بخش جلوی محل جنگ توضیح: مرزبندی و شناخت دقیق نیروهای خودی و غیرخودی با افزایش مراقبت در مقابل تحرکات دشمن و تدارک عمل و عکس‌العکس مناسب در مقابل جبهه دشمن	مستند جماعت



الزامات ایجاد انسجام تشکیلاتی	ضلع اول: نیروی انسانی بر پایه اخوت ایمانی ضلع دوم: سازماندهی بر پایه نظم تقوایی ضلع سوم: اهداف بر پایه رشد اسلامی ضلع چهارم: برنامه‌ها بر پایه عقلانیت دینی ضلع پنجم: اقدام بر پایه روحیه جهادی ضلع ششم: امکانات بر پایه عدالت توحیدی
الزامات برقراری ارتباط شبکه‌ای	گام اول: ایجاد انگیزه برای شبکه شدن گام دوم: تجزیه و تحلیل ظرفیت‌ها و شناسایی راهکارها و برنامه‌های مشترک و تدوین دستور کار مشترک گام سوم برنامه و انجام پروژه‌ها و برنامه‌های اولیه محلی و یا شهری به صورت محدود گام چهارم: طراحی و اجرای پروژه‌های مشترک اساسی استانی و ملی گام پنجم: حرکت به سمت ایجاد استقلال و خودمدریتی در شبکه
راهکارهایی جهت شبکه‌سازی	یک: راه‌اندازی نشریه تخصصی هیأت در شهر و استان دو: راه‌اندازی شبکه توزیع محصولات فرهنگی سه: برگزاری همایش‌های انگیزشی و آموزشی ویژه هیأت‌های شهری و استانی چهار: ایجاد بانک اطلاعات هیأت‌های استانی پنج: ایجاد و تقویت جمع‌های فراگیر با محوریت مخاطب و موضوع (جامعه مداحان و ...)

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر ع باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأتِ تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org